



بسم الله الرحمن الرحيم

۲	مقدمات اجتهاد.....
۲	مقدمات ثابت و متغیر.....
۲	عوامل تبدل فوق.....
۲	عکس صورت فوق.....
۲	رابطه اجتهاد با علوم از منظری دیگر.....
۳	نکات در این مقام.....
۳	نکته اول.....
۳	نکته دوم.....
۴	تأثیرات فقه بر سایر علوم.....
۴	مقدمات عملی و خارجی اجتهاد.....
۴	جایگاه ابزار امروز و گذشته در باب اجتهاد.....
۵	جایگاه تحلیلی ابزار امروزی.....
۵	روانشناسی فقیه در اجتهاد.....



مقدمات اجتهاد

مقدمات ثابت و متغیر

برخی از علوم نیاز بدان‌ها در اجتهاد ثابت لا یتغیر است مانند اصول و بخشی از ادبیات. اما در برخی علوم مقدمیت آن‌ها منوط به اقتضاءات زمان است که ممکن است در زمانی مقدمیت برای اجتهاد نداشته‌اند و در عصری دیگر این حالت را پیدا کرده‌اند همانند مباحث هرمنوتیک.

عوامل تبدل فوق

بنابراین در مقدمیت علوم ممکن است علومی که در زمانی مقدمیتی نداشته‌اند، امروزه مقدمیت داشته باشند چراکه مقدمیت امر ثابتی نیست. چراکه ممکن است از منظری دیگر نقش آن‌ها نقش ملموسی نبوده که امروزه آن جایگاه بارز گشته است. چراکه یکی از رازهای اجتهاد دامنه گسترده و قلمروهای جدید آن است.

عکس صورت فوق

عکس صورت دوم نیز مفروض است چراکه ممکن است دانشی جزء مقدمات اجتهاد باشد، اما در اثر پیشرفت علم آن مقدمیت زائل شده است همانند مقدمات عملی که بالفعل نیز در قبال آن‌ها مصداق وجود دارد. گرچه در این مقام مثال قطعی و روشنی در ذهن ندارم.

رابطه اجتهاد با علوم از منظری دیگر

بنابراین پس از پایان رسیدن اصل بحث نکاتی تکمیلی ذکر شد که می‌توان مقدمه هفتمی افزود که:



فراتر از بحث توقف بر علوم روابط اجتهاد و فقه با علوم دیگر از منظر کلان‌تری قابل طرح در مقدمات اجتهاد است، البته فراتر از رابطه مقدمیت علمیه و نقش در اجتهاد که مدنظر قرار گرفت. چراکه در مبحث ششم زاویه دید، تأثیر این علوم بر روند استنباطی بود. این سؤال تا حدودی در جلد اول فقه التریبه ذکر شده است لذا ما چندان درصدد تشریح بحث نیستیم. یعنی در اینجا بحث از مقدمیت علمیه نیست بلکه سخن در رابطه این علوم است.

نکات در این مقام

در اینجا چند نکته وجود دارد؛

نکته اول

در اینجا مراد از رابطه ترتب و تقدم علمی مدنظر نیست بلکه مراد رابطه متقابل است. از حیث اینکه چه اثری می‌گذارد و چه تأثیری را می‌پذیرد.

نکته دوم

عمده تأثیری که فقه از سایر علوم می‌پذیرفت، در مقدمه سابق از حیث روش‌شناسی بود اما حقیقتاً عمده تأثیر در موضوع است که این نوع از تأثیر دارای چند حالت است. یک نوع آن این است که علم موضوع مطرحی را مورد کاوش قرار می‌دهد، گاهی علم نقش موضوع سازی را ایفاء می‌کند و در مواردی نیز تنظیمات جدیدی را در قبال آن علم ایجاد می‌کند و روند تولید ابواب را به خود می‌گیرد.



تأثیرات فقه بر سایر علوم

فقه نیز می‌تواند تأثیرات زیادی از جمله در قبال علوم انسانی و اجتماعی داشته باشد که در فلسفه تربیت از آن بحث نموده‌ایم، البته این حالت مبتنی بر گزاره‌هایی از این قبیل است که فقه مشتمل بر مصالح و مفاسد است و این امور در علوم بیان شده جایگاه خاص خود را دارد.

مقدمات عملی و خارجی اجتهاد

مقدمه هشتمی که می‌توان در اینجا افزود و مورد بررسی بیشتری قرارداد، مقدمات عملی و خارجی اجتهاد است. چراکه وقتی فقه واجب یا مستحب شد برای آن مقدمات خارجی‌ای باید باشد که آن‌ها از باب مقدمه دارای وجوب یا استحباب می‌شود. از جمله این مقدمات نقش ابزارها و فناوری‌های قدیم و جدید در اجتهاد است.

جایگاه ابزار امروز و گذشته در باب اجتهاد

در گذشته نوشتن مقدمات عملی اجتهاد بود که به سمت فناوری‌های نو حرکت خواهد کرد. ابزارهای امروزی در شرایطی مقدمات تکمیلی است و تأثیری در سرعت دادن به اجتهاد دارد که در این صورت، دارای رجحان است. اما ممکن است این ابزار موجب بالا رفتن دقت در عمل اجتهاد شود و موجب کشف نقاط مجهولی گردد که در این صورت می‌تواند جزء مبادی اجتهاد قرار گیرد.

مثلاً برای جمع‌آوری منابع سؤال‌های فقهی که مظان آن مشخص نیست، نیاز باشد که از فضای نرم‌افزاری امروزی استفاده نمود که دقت اجتهاد او بالاتر رود یا فرد به منابع و اخبار بیشتری واقف شود. در اینجا ممکن است به حدی برسد که جزء مقدمات اجتهاد محسوب شود و واجب گردد.



جایگاه تحلیلی ابزار امروزی

ابزارهای موجود گاهی از این حالت نیز پا را فراتر می‌گذارد. چراکه نقش او گاهی تسهیل‌کننده، گاهی موجب افزایش دقت می‌شود و در مواردی نیز به صورت روشی اجتهادی می‌گردد که به صورت تحلیل محتوا می‌شود و نقش بسیار وسیع‌تری را پیدا می‌کند.

لذا اگر فراتر از حالت ابزاری در این مقام گردد، جزء مقدمات اجتهاد محسوب خواهد شد. البته معمولاً این ابزار در دنیا در خدمت ابزارهای نظامی، امنیتی و تجاری، اقتصادی قرار می‌گیرد که پس از ترقی و رشد بیشتری در موطن دیگر علوم بشری مورد استفاده قرار می‌گیرد که این نیز در جای خود جای تعجب دارد.

البته مقدمات اجتهاد عملی فراتر از این امور خواهد بود و طبق آیه نفر حتی هجرت را نیز دربر می‌گیرد.

روانشناسی فقیه در اجتهاد

از جمله نکات دیگر روانشناسی فقیه در قبال اجتهاد است که باید مورد توجه قرار گیرد. از طرفی دیگر احوال اجتماعی می‌تواند در اجتهاد و استنباط فقیه مؤثر باشد. لذا این امور می‌تواند در شکل‌گیری اجتهاد شخص مؤثر باشد. همان‌طور که در داستان مرحوم علامه نقل شده است که چاه را پر کردند تا باز هم به همان امر حکم می‌کنند یا خیر؟

بنابراین اهواء و اغراض شخصی می‌توانند در حکم اثرگذار باشد که تأثیر آن قابل انکار نیست.